

تجلی ذکر در فضای شهری ایرانی-اسلامی

علی یزدانی

دانشجوی دکتری رشته شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمد نقی زاده^۱

دکتری رشته شهرسازی، استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

بهناز امین زاده گوهریزی

دکتری رشته شهرسازی، استاد، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۹

چکیده

فضای شهری ایرانی-اسلامی ریشه در بنیان‌های ژرف تفکر معنوی دارد و صورت آن حقیقتی است ماوراء عالم صور و طی قرون متمادی به دست نیاکان خود بر پایه مفاهیمی غنی و به عنوان آثار تعامل اندیشه‌های یکسان و بستری مشخص شکل گرفته است. از آنجا که دین نمی‌تواند متجلی شود مگر توسط اشکال و صور؛ لذا، فضای متذکر، معنایی درونی می‌یابد. یکی از اصیل‌ترین معانی در مبانی فکری شیعی، متذکر ماندن انسان است که به واسطه ذکر در فضای شهری نیز تجلی یافته است. مجموعه فضای زندگی انسان و به ویژه شهر، به دلیل آن که مجموعه‌ی بسیاری از عناصر و اجزاء، اصول، مفاهیم و معانی است، یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که می‌تواند عامل آگاهی انسان و تعالی او، و یا بالعکس، زمینه‌ساز غفلت و غوطه‌ور کردن مردم در قلمرو زندگی فیزیولوژیکی باشد. رابطه‌ی ادراکی که بین انسان و محیط برقرار می‌شود، محیط معانی و مفاهیمی را به ذهن انسان القا نموده و ضرورت حفظ آن در تمامیت خود بعنوان نمونه تجلی یافته مفاهیم معنوی در کالبد فیزیکی حس می‌گردد. در این تحقیق، عوامل تجلی ذکر در فضای شهری جهت ایجاد فضای متذکر تبیین شده است. این مقاله با هدف بررسی تغییر عناصر شهرسازی اسلامی به عناصر شهری غیر متذکر و تبیین شاخصهای مثبت و منفی از دست داده یا بدست آورده، ضمن مرور پیشینه مرتبط با موضوع و نظر خواهی از نخبگان (به روش دلفی) و روش آنتروپی، نشان می‌دهد که کاربرد موارد معنویت‌گرایی و ایجاد تفکر در اولویت بوده و تداوم کاربرد آن‌ها در طراحی فضاها ضرورت دارد و با در نظر گرفتن این نکته و موقعیت‌سنجی و مکان‌سنجی مناسب بر حسب زمان و مکان، فضای متذکر تجلی می‌یابد. براین اساس این پژوهش راهبردهایی را برای تقویت شاخص‌های مثبت در جهت دستیابی به فضای شهری متذکر ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی: ذکر، فضای شهری، شهر ایرانی-اسلامی، فضای متذکر، روش دلفی، تکنیک شانون.

قدمت تمدن و فرهنگ ایران زمین و تعاملات آن با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌های جهان واقعیتی انکار ناپذیر است؛ همانگونه که در طول تاریخ شهرها محل تجلی تمدن بشری بوده‌اند، دیرینگی شهرنشینی در ایران سبب تعمیق فرهنگ شهرنشینی و مظاهر تمدن شده است. از جمله اینکه مروری بر سیر تحول شهرهای ایرانی معلوم می‌دارد که شهرهای ایران پس از ورود اسلام به این سرزمین دچار تغییرات کالبدی فراوانی نسبت به اسلاف خود شده‌اند. طبیعی است که این تغییرات از تغییر نگرش مردم سرزمین در پایگاه‌های اعتقادی و مشرب‌های فکری آنان نشأت می‌گیرد. به ویژه اینکه، انگونه شهرها مابه‌ازاء وجودی در دیگر کشورهای مسلمان نداشته و اگر در قرون بعد تأثیرات این تغییرات در دیگر کشورهای منطقه مشاهده شده، ناشی از گستردگی قلمرو فرهنگی ایران است که پهنه‌ای به وسعت بخش عمده‌ای از قاره آسیا و اروپا را در برمی‌گیرد.

از طرفی، امروزه کمیت و کیفیت فضاهای شهری به یکی از مهم‌ترین سنجه‌های توسعه یافتگی و قابلیت زندگی در شهرها بدل گردیده است. تحکیم روابط شهروندی و حضور افراد در فضاهای شهری به عنوان پشتوانه و سرمایه یک جامعه پویا و سرزنده مورد توجه بوده و می‌باشد. با توسعه جوامع انسانی و تغییر در نحوه سکونت و زندگی آنان، توقعات و نیازهای اجتماعی انسان‌ها نیز اهمیت بیشتری یافته است. فضاهای شهری ساخته شده و مصنوع بر نحوه حضور و هنجارهای اجتماعی شهروندان تأثیر مستقیم و مؤثری دارند. چرا که تعاملات اجتماعی یکی از موارد ضروری در فضاهای شهری محسوب می‌گردند. در این محیط است که فرهنگ از طریق فعالیت‌ها و ارتباطات انسانی به جریان در می‌آید و ارزش‌ها و سنت‌های هم‌زیستی را عینیت می‌بخشد. لذا توجه به اهمیت فضاهای شهری و از طرفی توجه به فرهنگ ایرانی، اسلامی و تلفیق این دو مهم می‌تواند به عنوان یک امر راهگشا برای ایجاد و ساماندهی فضاهای شهری در راستای هویت‌مندی بیشتر فضاهای شهری مطابق با هویت و ذائقه غالب شهروندان باشد. اصول و مبانی شهرسازی در ایران با تکیه بر فرهنگ غنی و هویت ایرانی اسلامی از گذشته مورد توجه بوده است. علاقه مردم به حضور در شهر و فضاهای شهری، اهمیت پرداختن به موضوعاتی در این باب را مشخص می‌سازد. از طرفی تأکید متخصصین و بزرگان مملکتی در خصوص شهرسازی ایرانی - اسلامی و افزایش هویت‌مندی در فضاهای عمومی شهر و دور نشدن جامعه از اصالت خود که از خودبیگانگی را در پی خواهد داشت، از جنبه‌های گوناگون اهمیت موضوع را تبیین می‌سازد. در این بین پژوهش‌هایی که در گذشته در این باب صورت گرفته است، عموماً به صورت کلی‌گویی و بدون در نظر گرفتن قابلیت اجرایی و امکان‌سنجی لازم بوده است. بنابراین در این پژوهش مشخصاً به یکی از اصلی‌ترین نتایج مورد انتظار از عناصر شهرسازی ایرانی - اسلامی به عنوان "ذکر" پرداخته شده است تا ضمن بررسی ژرف و عمیق موضوع و همچنین با در نظر گرفتن شرایط امروز شهرها و شهروندان، به حاصلی عمیق‌تر از آنچه تاکنون به آن پرداخته شده است، دست یابد.

یاد خدا بودن که همواره در مبانی دینی مورد تأکید بوده است و یکی از مهمترین پارامترهای فرهنگ و هویت اسلامی است و از طرفی ملهم از این امر در بسیاری از ساختارهای اصیل شهر در ایران مورد توجه قرار گرفته شده است، می‌تواند در مسیر نیل انسان به حقیقت و رسیدن وی به تعالی مؤثر باشد. بنابراین گام برداشتن و هدایت انسان در این راه که می‌توان آن را «متذکر شدن» نامید می‌بایستی یک امر دائمی را مشخص سازد که متذکر شدن فضا می‌تواند

به طور مؤثری بر وی اثر گذار باشد. در پژوهش مشخصاً به یکی از اصلی‌ترین نتایج مورد انتظار از عناصر شهرسازی ایرانی اسلامی به عنوان ذکر پرداخته شده است تا ضمن بررسی ژرف و عمیق موضوع و همچنین با در نظر گرفتن شرایط امروز شهرها و شهروندان، به حاصلی عمیق‌تر از آنچه تا کنون به آن پرداخته شده است، دست یابد. از این رو در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که تحلیلی در باب اصول متذکر ساختن فضای شهری ارائه گردد. هدف اصلی علاوه بر ایفای سهم در معرفت رشته شهرسازی، ارائه تحلیل در باب اصول متذکر ساختن فضای شهری و تحقق این موضوع می‌باشد. عدم تحقق فضای متذکر شهری علاوه بر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ریشه دیگری در نظام تولید دانش و برنامه برای حل آنها دارد که توجه به آن ضروری است. حساسکردن برنامه‌ریزان و طراحان شهری نسبت به مفهوم فضای متذکر شهری در ارتباط تنیده با زندگی معاصر نیز از دیگر اهداف تحقیق می‌باشد. همچنین این پژوهش به دنبال آن است که با ارائه اصول و معیارهای طراحی فضای شهری متذکر، مجموعه مدیریت شهری را به عنوان مجری این فضاها یاری نماید. بنابراین شناخت مفاهیم ذکر به عنوان آموزه مورد تأکید اسلام مقدمه‌ای بر درک نمود عینی آن در فضاها می‌باشد. از این رو فرضیه اصلی این پژوهش بر این مبنا استوار است که با بهره‌گیری از متون اسلامی، امکان تبیین اصول و طراحی فضای شهری متذکر ایرانی برای دوران معاصر امکان پذیر است. در این پژوهش با توجه به اهداف در نظر گرفته شده سوال اصلی این است که حاصل و مابه‌ازاء هر یک از ارتباطات انسان با عناصر و اجزا و فضای شهری، در صورتی که تذکردهی مناسب را به همراه داشته باشد، چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش، یافتن جواب پرسش مبانی و اصول فضای شهری متذکر در شهر ایرانی - اسلامی و نمود و تجلیات فضای شهری متذکر نیز ضرورت دارد.

هر پژوهش علمی، بر اساس گزاره‌های تحقیق، نیاز به یک روش تحقیق متناسب با موضوع خود دارد. به سخن دیگر روش تحقیق همان چارچوب عملیات یا اقدامات جستجوگریانه جهت دستیابی به هدف پژوهش، برای آزمودن فرضیه یا پاسخ دادن به سؤالات تحقیق است (براتی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۸). پژوهش حاضر از نوع توسعه نظری بوده و از روش‌های مطالعات بنیادی و نظری استفاده شده است و در اسلوب روش‌شناسی تلاش بر آن است که از روش اسنادی استفاده شود. با بررسی منابع موجود به تبیین مفهوم ذکر و فضای شهری متذکر پرداخته شده و ضمن مذاقه قرار دادن این مفهوم به بیان دیدگاه‌های نظری مختلف پیرامون این موضوع، ابعاد مختلف، بستر و گستره و همچنین کارکردهای آن توضیح داده شده است. از جهت آنکه موضوع پژوهش از مبانی دینی هم بهره‌مند است، لذا تلاش گردیده با استفاده از منابع دست اول و متون اسلامی از جمله قرآن، نهج‌البلاغه و روایات معتبر به بررسی فضای متذکر پرداخته شود. در مرحله تحلیل، از روش کیفی تحلیل محتوا به منظور مطالعه نظام‌مند و مصاحبه نیمه سازمان‌یافته با نخبگان استفاده شده است و سعی شده است با بررسی وضعیت کنونی و دیدگاه صاحب نظران فعلی از منظر ساختار، فرآیند و استراتژی‌ها مورد مذاقه و ارزیابی قرار گیرد و معضلات آن‌ها شناسایی شده و راهکارهای اصلاح شده‌ای برای آن تدوین گردد. در انتها با تطبیق موارد استخراج شده با ادبیات جهانی به تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری و ارائه مدل نهایی پرداخته می‌شود. روش دلفی را می‌توان گونه‌ای از فنون ساختاریافته برای انجام طوفان فکری در نظر گرفت که شامل نظرخواهی از کارشناسان به وسیله تکرار متوالی یک پرسشنامه است. هر تکرار شامل

یک دوره بوده و وسیله‌ای برای بیان دیدگاه‌های کارشناسان است. نتایج هر دور نظرسنجی جمع‌آوری شده و اظهارنظرها به شیوه‌های کمی و کیفی تحلیل می‌شود (Assakul, 2003) به طور کلی دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرگروهی از متخصصان در مورد موضوع و یا یک سؤال مشخص است. شناسایی و صلاحیت متخصصان، نکته مهمی در دلفی بوده چنان که دستیابی به اهداف، وابسته به انتخاب دقیق شرکت‌کنندگان است. بدین منظور از نمونه‌ای متشکل از ۱۰ نفر از متخصصان شهری استفاده کردیم که دانش و تجربه در موضوع، تمایل و زمان کافی برای شرکت در پاسخ به سؤال پژوهش را داشته‌اند.

مفهوم و ماهیت شهر و شهرسازی اسلامی

شهر اسلامی برگرفته از فرهنگ ذهنی و تفکر غنی اسلامی است که نمود عینی یافته است. این شهر با انعطاف چشمگیر خود در حکم الگوواره‌ای است که می‌تواند در هر عصری در روح آن زمان توسعه یابد و در عناصر آن جلوه نماید. شهر اسلامی تنها اصول نیست که فقط آن‌ها را در معماری و شهرسازی لحاظ کرد، بلکه این تفکر فراتر از آن قدم برداشته تبدیل به ذهنیتی شده است که سازندگان و توسعه دهندگان شهر را بر آن داشته است تا شهری اسلامی ساخته و الزامات محیطی را بر آن منطبق سازند. به این ترتیب شهر اسلامی، ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمانی تجلی ویژه خویش را خواهد داشت. به عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی است که می‌تواند، در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری و مصالح و دانش و هنر و فرهنگ بومی که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشند، تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۱). در شهر اسلامی اولین ایده‌های جهان‌بینی اسلامی توسط افراد درک می‌شود. مفهوم شهر اسلامی مبتنی بر این است که اسلام یک نظام ارزشی کامل است و تمام الگوها و رفتار سازمان اجتماعی را تعیین می‌کند. از آن‌رو ریخت‌شناسی کالبدی سکونتگاه‌ها نیز محصول ایمان اسلامی است و با درک درست از اسلام می‌توان به ساختار شهر اسلامی پی‌برد (خدایی، تقوایی، ۱۳۹۰). تفاوت اصلی شهرهای اسلامی و غربی در مفهوم و استفاده از فضاهای عمومی و محلی و مالکیت‌هاست (Kahera, 1997: 5). به طور کلی در قلمروهای اسلامی، شهرها به عنوان مجموعه‌ای از محله‌های همگن و یکپارچه در نظر گرفته می‌شدند (Tavassoli, 2016: 11). شهر اسلامی عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... را منعکس می‌نماید، که از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تطبیق محیط شهر با ویژگی‌های طبیعی

شکل‌گیری مرکز فرهنگی بر اساس اعتقادات مذهبی

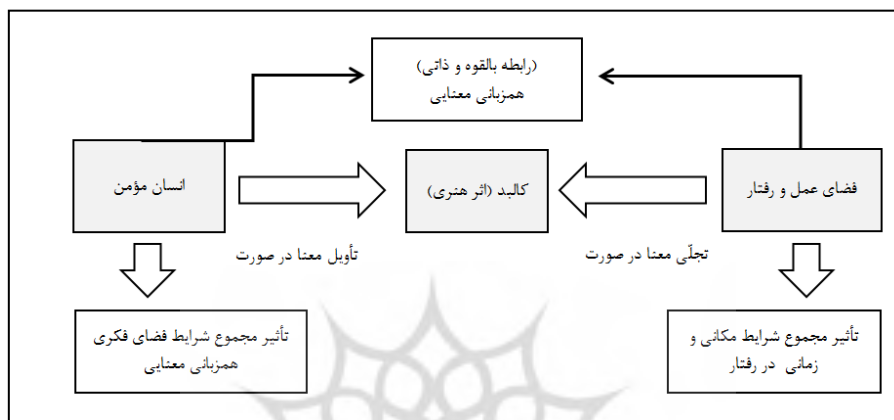
انعکاس قوانین اسلامی بر حسب قلمروهای عمومی و خصوصی

پایه‌گذاری سازمان اجتماعی بر اساس شباهت‌های قومی و نژادی. (Saoud, 2002).

اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری شهر اسلامی

به بیان دیگر هر گروه انسانی، محیطی را به عنوان هر و مکان زندگی خویش بوجود می‌آورد که اولاً: در آن محیط بتواند آن گونه که اعتقاداتش می‌گویند زندگی کند؛ و ثانیاً: کالبد محیط موجود نشانه هویت معنوی او و واجد معانی و ارزش‌ها و بیانگر اصولی باشد که او به آنها باور دارد. طبیعتاً کالبد شهر اسلامی نیز به عنوان تجلی کالبدی باورها و عمل و اخلاق و رفتار مسلمانان از این قاعده مستثنی نیست. در محیطی که به این ترتیب و طی این فرآیند از

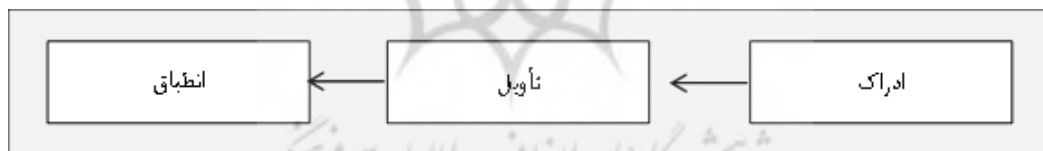
سوی مسلمانان ایجاد می‌شود، نه تنها مسلمان زیستن است و به این ترتیب کالبد شهر اسلامی به عنوان سومین حلقه شهر اصیل اسلامی به منصفه ظهور می‌رسد که اگر مسلمانانی مؤمن به شیوه مسلمانی در آن زندگی کنند، زنجیر کامل خواهد شد. خلاصه اینکه مرحله آخر یا یکی از مراحل سه گانه ظهور شهر اسلامی، کالبد شهر است که تجلیگاه صول و ارزش‌های اسلامی و مناسب زندگی مؤمنین و مسلمانان است. نتیجه اینکه اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شهر اسلامی در سه گروه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند که ملحوظ داشتن توأمان و متعادل و منطقی آنها منجر به ظهور شهر اسلامی خواهد شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۸-۵۲). این هم‌زمانی را می‌توان در قالب زیر بیان کرد.



شکل ۱: ضرورت هم‌زمانی معنایی میان مؤمن، کالبد و فضای عمل

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

لذا دریافت هر مخاطب از آن اثر یا کالبد، به سطح و میزان آگاهی و ضمیر ناخودآگاه مخاطب بستگی دارد و هر اثر در ابتدا ادراک، بعد تأویل و در نهایت به مرحله انطباق می‌رسد.



شکل ۲: مراحل دریافت معنا در نزد مخاطب

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

مفهوم و ماهیت شهر و شهرسازی ایرانی - اسلامی

ساختار شهر ایرانی اسلامی در سطح کلان به دو بخش روض و شارستان تقسیم می‌شود. روض محدوده پیرامونی شهر است که غالباً به فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و دام‌پروری اختصاص دارد. علت وجودی شهرهای ایرانی - اسلامی، غالباً حول محور طبقه‌بندی می‌شود: ۱- شهرهای با محوریت و مرکزیت اقتصاد تجاری (بازار) ۲- شهرهای با محوریت صنعت ۳- شهرهایی با محوریت دفاع ۴- شهرهایی با محوریت اماکن مذهبی و زیارتی. البته در این میان بیش‌ترین فراوانی شهرها با محوریت و مرکزیت اقتصاد تجاری است، در عین حال تمامی شهرهای اسلامی - ایرانی دارای چهار خصلت مذکور می‌باشند. به عبارت دیگر شهرهایی که اقتصاد غالب در آنها بازار است، دارای تولیدات صنعتی، ساختارهای دفاعی و اماکن مذهبی و مقدسی نیز بوده و در سایر شهرها نیز به فراخور نیاز تجارت بازار و سایر ویژگی‌های مذکور قابل مشاهده است.

فضای شهری

فضای شهری به عنوان گره‌ای از جوامع انسانی و تجمعی از مردم و اشیا مادی از عناصر و اجزا مختلفی تشکیل شده است. به واقع "فضا رابط میان عناصر بوجود آورنده‌اش می‌باشد"؛ پس برای تشخیص یک فضای شهری علاوه بر وجود عناصر تشکیل دهنده، باید رابطه میان آنها نیز برای فرد ناظر قابل ادراک باشد و فرد بتواند از رابطه موجود، ساختاری در ذهن خود ایجاد نماید. به این ترتیب فضای شهری هدفمند بوده و بستر رویدادهای تعریف شده‌ای خواهد گردید. فضای شهری صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آنها به وقوع می‌پیوندد (بحرینی، ۱۳۷۷: ۸۱). فضاهای شهری توسط فرآیندهای طبیعی نظام یافته و به وسیله انسان، شرایط اجتماعی، سیاسی و به طور کلی فرهنگی هر جامعه شکل می‌گیرد و شامل کلیه سازه‌های شهری از جمله میدان، خیابان‌ها و سایر عناصر شهری است. فضایی که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵-۸۱). تاریخ فضای شهری نشان می‌دهد این موضوع در عهد باستان به عنوان محصولی زیباشناختی هیچگاه از مقصودی که این فضاها در جهت آن ساخته می‌شدند جدا نبوده است. در این دوران سازمان فضایی شهر و فضای شهری وابسته به آن، نتیجه عمل اجتماعی و سیاسی در قلمرو عمومی بود. فضای عمومی شهر به عنوان دارایی یا سرمایه اجتماعی که می‌توان آن را در هماهنگی و پیوند ساکنین جامعه با یکدیگر به کار گرفت، تلقی شده است. ریچارد راجرز^۱ فضای شهری را این چنین می‌داند: «فضاهای شهری بخش‌هایی از بافت شهری است که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند و بستری است برای فعالیت‌های انسان و برقراری تعاملات اجتماعی» (Rogers, 2003: 118). فضاهای شهری فضایی برای "زندگی نیکو" هستند و زندگی نیک، زمانی رخ می‌دهد که با نیازهای امروز مطابقت داشته و مملو از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی - فضایی باشند، کنش و واکنشی که به هر چیزی در حیطه خود مفهومی خاص می‌بخشد و خلق محیطی راحت و روان و ایمن را سبب می‌شود. این محیط در پیوند با استخوان‌بندی شهر به ایفای نقش پرداخته و ویژگی‌های شهر را شکل دهد و فضای شهری جزئی جدا ناپذیر از ساختار فضایی شهر می‌شود بنا به شرایط زمانی-مکانی متفاوت رنگ و رخساری گوناگون می‌یابد. در فضای شهری است که ما می‌توانیم جریان فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را مشاهده کنیم، ترکیب کالبدی فضای شهری نیز تبلور انواع فعالیت‌هایی است که در آن جریان دارد. به دیگر سخن فضای شهری صورتی است از محتوایی که حیات شهری نام دارد در رابطه معنا دار، بین محتوا و شکل است که جریان یافتن فعالیت‌ها در فضای شهری با ارزش‌های شکلی فضاها و بناها آمیخته می‌شود.

فضای شهری ایرانی - اسلامی

اصطلاح فضای شهری، فضایی است که نه با شاخص‌ها و معیارهای غربی، که با تعریف ویژگی‌های ایرانی و اسلامی‌اش از گذشته در این پهنه جغرافیایی وجود داشته است. اگرچه در متون اسلامی صراحتاً به تعبیر فضای شهری اشاره نشده اما با عنایت به آنچه در باره اهمیت و جایگاه شهر مطرح شده است، با توجه به اهمیتی که تعالیم اسلامی برای جمعیت و جماعت و وحدت مردمان مطرح می‌کند، با توجه به آئین‌های جمعی خاصی که یا تشریح شده یا مورد تأکید و موافقت دین قرار گرفته است، با عنایت به سفارشات که در آگاهی از احوالات مؤمنین نسبت

^۱ Richard Rogers

به یکدیگر رسیده است، با توجه به ویژگی‌هایی که برای مکان‌های عمومی آمده است، با عنایت به تأکید و توصیه بر زیباآفرینی و لزوم ارتباط با طبیعت، با توجه به جایگاه ارتباط انسانی و تأکید بر آن، با عنایت به لزوم تماس طبیعت و با توجه به همه زندگی جمعی مسلمانان را مورد بررسی قرار داده و ویژگی‌هایی را برای آنها معرفی نموده است؛ می‌توان به لزوم وجود اماکن و فضاهایی عام در شهرهای مسلمانان پی‌برد (نقی‌زاده، ۱۳۹۲). در جدول شماره ۱ مهمترین ویژگی‌های فضاهای عمومی شهری در ساختار فضایی شهر ایرانی - اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است.

جدول ۲: ویژگی‌های فضاهای شهری ایرانی - اسلامی

مؤلفه‌ها	معیارها	توضیحات
	حیات اجتماعی شهر	این فضاها بروز تعاملات اجتماعی، اقتصادی و اعلان‌های دولتی بوده است؛ بنابراین در حکم فضایی جمع‌کننده، عرصه‌ای برای تنوع برخوردها و فعالیت‌ها می‌باشد. امروز نیز با کاهش کارکرد اجتماعی شاهد وجود بستری برای تعاملات هستیم که غالب آن اقتصادی می‌باشد.
عملکردی	عرصه تنوع کاربری‌ها	در این دسته از فضاها غیر از کاربری‌های تفریحی و فضای سبز، سایر کاربری‌ها در این محدوده گرد هم آمده و دارای اختلاط و تنوع هستند.
	فضای گذراندن اوقات فراغت	این فضاها از بویایی و سرزندگی برخوردار بوده و آسایش و امنیت را با ایجاد مکان ملاقات و برقراری تعاملات تأمین و فضاهای فراغتی را در شهر به وجود می‌آورد. این موضوع جذابیت و حس دعوت‌کنندگی را در محیط و شهروندان ایجاد می‌نماید.
	توجه به عملکرد تذکر	فضاهای شهری از عملکرد مذهبی برخوردار بوده و در پیوند با مسجد به عنوان یکی از کاربری‌های غالب قرار دارند.
	سادگی فرم	ای فضاها از نظر شکلی ساده و خالی از تزئینات تشریفاتی هستند. اما در عوض از عناصر سرزنده‌کننده همانند آب و گیاه در آن استفاده شده است. همچنین از نظر تانسبات از مقیاس انسانی نیز برخورداراند.
کالبدی	هدایت‌کننده ی توسعه شهر	این فضاها در شهر به توسعه یافت شهری جهت می‌دهند.
	پیوند با طبیعت	طبیعت در فرهنگ و اندیشه ی ایرانی - اسلامی از جایگاه و احترام قابل توجهی برخوردار است به همین منظور در فضاهای عمومی شهری نیز شاهد بهره‌گیری از عناصر طبیعی و تلاش برای حفظ محیط زیست می‌باشیم.
	دارا بودن مفهوم مرکزیت	این فضاها در شهر از یک مرکزیتی برخوردار بودند و باعث تأثیر بر کلیت بافت‌های شهری شده‌اند. این بخش از شهر از پر هیاهو ترین، فعال‌ترین و سرزنده‌ترین فضاهای شهری محسوب می‌شود که تصویری از ویژگی‌های شهر را به صورت نمادین به نمایش می‌گذارند.
	شهری و اصل وحدت	فضاهای شهری عامل موثر و پر اهمیتی در ایجاد خوانایی و نمایانی شهر به شمار آمده و حکم شناسنامه و معرف شهر را دارا هستند.
معنایی	احساس تعلق و بازگشت به اصل خویش	این فضاها پیوند میان تاریخ و اتفاق‌ها و رویدادها و اصل وجودی انسان و از سوی دیگر بستر نمایش آیین‌ها و مراسم‌ها و احساس تعلق را در شهروندان به وجود می‌آورد.
	پایداری	این فضاها بستر مناسبی برای رونق اقتصادی، تعاملات اجتماعی و مراقبت‌های زیست محیطی می‌باشد. فضاهای شهری اگرچه به صورت کالبدی قبل مشاهده هستند اما مسئولیت آن حفظ هویت شهر می‌باشد.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

ذکر

ذکر، مفهومی است که به سبب همنشینی با معانی والا و نیروی تکرار، به تدریج نوعی اثرپذیری در دل انسان می‌زاید. با نیروی ذکر، لحظه به لحظه دانسته‌های قدیم و ازلی انسان در حیاتش، جاری می‌شوند. بنابراین ذکر، ریسمانی برای دوختن هر لحظه از زندگی دنیایی انسان به مبداء و اصل او است؛ اینگونه هر لحظه از حیات وی مهر ضمانتی دریافت می‌کند که نقش خود را در پیشبرد انسان به سوی سعادت ایفا کرده است. مفهوم ذکر، مفهومی مبنایی برای اسلام است قرآن به ذکرالله تعبیر شده است، «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر آیه ۹). به این ترتیب است که ذکر در همه مراحل و مراتب می‌تواند جلوه‌ای از میل و اراده و دوستی و عشق را به منصف ظهور رساند؛ که اینها همگی عامل خلق آثار زیبایی هنری هستند (نقی‌زاده، ۱۳۸۸). ذکر برای انسانی که جهان بینی توحیدی دارد یاد دیگری کردن است، از خود بیرون شدن و راه یکی شدن را پیمودن است. ذکر همچنین در مراتب اعلای خود، لقاءالله را به همراه دارد. یاد کردن مدام و پی‌درپی به مثابه انباشتن قطرات معنا در وجود است تا سرانجام دریا شدن و دریافتن وحدت به یقین. و وحدت در جایگاه عالی‌ترین معنایی است که به بشر رسیده است (مطهری، ۱۳۸۳، ۲۱).

می‌توان مراتب ذکر را در شهر به دو دسته کلی تقسیم نمود که عبارتند از ذکر لفظی و ذکر معنایی.

▪ ذکر لفظی: ذکر لفظی، ذکری آشکار است، به کارگیری از کلمات و آیات و احادیث ائمه در بناها یا در فضای شهری به صورت کتیبه‌ها و یا سردرها و ... یا هرگونه ذکری که به وسیله چشم مستقیماً دیده و درک می‌شود و یا به وسیله گوش شنیده می‌شود و به صورت ملموس و مستقیم اشاره به ذکر خداوند در بناها یا فضاهای شهری دارد.

▪ ذکر معنایی: به کارگیری جنبه‌هایی که حضور آنها در شهر و میزان اهمیت دادن آنها توسط طراح شهری نوعی توجه و تدبر را به دنبال بیاورد. مثلاً ایجاد برخی عناصر که استعاره از مفهوم قدسی هستند؛ به عبارتی هنر به کار رفته در ایجاد فضاها، هنر قدسی باشد؛ در این راستا معماری به مثابه مفهومی استعاری ظاهر می‌شود و معماری قسمتی از وجود جامعه برای بروز اعتقادات آنها می‌شود (نقی‌زاده ۱۳۸۴، ۱۸۰).

مفهوم ذکر در فضای شهری

با عنایت به معنای "ذکر" که در حقیقت به حضور و آگاهی علم اشاره دارد، همه موضوعات و جوانبی که منجر به آگاهی و هدایت و احساس حضور انشان شوند مد نظر هستند؛ و معنای اصطلاحی آن به عنوان تکرار برخی کلمات مدنظر نیست. انسان در اندیشه اسلامی موجودی است که تحت آموزش الهی قرار گرفته است و فطرتاً به بسیاری از اصول و ارزش‌ها آگاه است که در روز الست پیمان به رعایت آنها بسته است. این اصول و ارزش‌ها نیازمند یادآوری و تذکر هستند، و شهر اسلامی به طرق گوناگون می‌تواند این تذکردهی را انجام دهد. همانگونه که در قرآن بدان اشاره گردیده: «علم الانسان ما لم يعلم» (علق، آیه ۵)؛ فضا و شخص در رابطه متقابل با یکدیگر قرار دارند و تأثیرات متقابل را اعمال می‌کنند، انسان در فرم‌دهی به فضا نقش ایفا می‌کند و خود با حضور در فضایی که اصول و ارزش‌های متفاوتی را ابراز می‌کند، رشد کرده و زندگی می‌کند از طرفی محیط مصنوع بشر با توجه به اندیشه‌های او سرشته شده است؛ لذا عالی‌ترین محیط برای زندگی بشر، فضاهایی است که او را به ارزش‌های الهی و تفکر متذکر گرداند. مفاهیم معنوی از طرق متفاوتی انسان را مورد تذکار و یادآوری قرار می‌دهند و از بارزترین وجوه آن حضور شخص در فضاهایی است که ارزش‌های الهی را به او متذکر می‌گرداند.

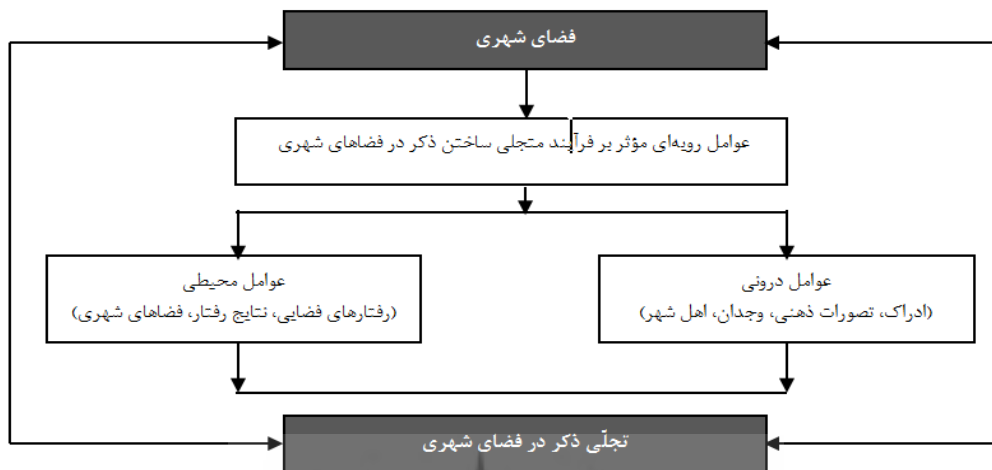
مدل تحلیلی تحقیق

با انتخاب نخبگان شهری و صاحب‌نظران، آگاهی بخشی به این گروه تضمین خوبی برای کیفیت بالای نتایج دلفی است. بنابراین اعضای دلفی بر اساس تخصص انتخاب میشوند نه براساس فرآیند انتخاب تصادفی. لذا حلقه دلفی براساس آگاهیشان از موضوع انتخاب میشوند (Linstone & Turoff, 2002). برای نیل به اهداف پژوهش و در چارچوب روش تحقیق کیفی و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته با نخبگان، اقدام به مصاحبه با افراد کلیدی حوزه شهری در بخش‌های نهادهای دولتی، عمومی، خصوصی و بخش نهادهای حوزوی شد. با این وجود به دلیل گستردگی جامعه آماری، با استفاده از تکنیک «گلوله برفی»^۱ یا «زنجیره‌ای» اقدام به نمونه‌گیری میان مصاحبه شونده‌گان شد. در مرحله استخراج و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش کدگذاری باز^۲ استفاده شده است. روش کدگذاری باز فرآیند تحلیلی است که از طریق بررسی داده‌ها (مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و ...)، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم کشف می‌گردد (Strauss Corbin, 1998:101). پس از اطلاع‌رسانی راجع به موضوع پژوهش و فرآیند آن، ده نفر از این لیست، برای انجام مصاحبه، زمان لازم را در اختیار پژوهشگر قرار دادند. در مرحله اول، سعی پژوهشگر بر آن بود که ابتدا رویکرد و نگاه متخصصان به موضوع «ذکر» و ارتباط آن با حوزه

¹ Snowball Technique

² Free Coding

شهرسازی را مورد کنکاش قرار داده و مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء فضای متذکر از نگاه آنان را شناسایی نماید و سپس یافته‌های حاصل از مرور منابع را با آنها در میان گذاشته و نظر آنها را جویا شود. در این گفتگوها همچنین یافتن میزان موافقت متخصصان با نگاه بومی و محلی به تجلی ذکر در فضای شهری مد نظر پژوهش‌گر بود.



شکل ۳: فرآیند برآمده از مصاحبه با نخبگان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

این بخش در موضوعات «تحلیل اصول و مؤلفه‌های متذکر ساختن فضا»، «اصول مقوم ذکر برای ایجاد هدایت‌کنندگی و آگاهی بخشی انسان» مطابق نظرات نخبگان بیان و تحلیل می‌گردد و مبنای روش کدگذاری باز می‌باشد. گام اول در این پژوهش ضرورت بازشناسی مفهوم ذکر است؛ که بر اساس نظرات نخبگان چهار مقوله اصلی برای ضرورت اتصاف شهر به ذاکر بودن اتخاذ شده است. در جدول شماره ۳ به بیان این ضرورت در محیط شهری پرداخته شده است.

جدول ۳: ضرورت بازشناسی مفهوم ذکر در فرآیند متذکر ساختن فضاهای شهری

مقوله‌ها	توضیحات
تغییر نگرش در فرایند زندگی و آغشته شدن به نسیان و غفلت	آنچه که جهان امروز به آن توجه دارد بیش از هر چیز توجه به مسائل مادی و پاسخگویی به نیازهای فیزیکی و جسمانی انسان است و این مشکلی است که روز به روز بیشتر اثرات منفی خود را در جوامع مختلف مینمایاند. در واقع تمرکز بر قلمرو فیزیولوژیکی و مادی زندگی بدون اینکه رسماً و علناً اعلام کند با حذف توجه به ساحت‌های معنوی و روانی حیات، آنها را از متذکر بودن به انسائیت خویش بازمی‌دارد.
خلاء ایجاد زمینه تفکر در متذکر ساختن انسان	فعال نگهداشتن تعقل زمینه استفاده مناسب و مطلوب از علوم و دانشها و ارتقای آنها را فراهم می‌کند. با عنایت به این که عقل به سعادتمندی انسان و فراهم آوردن بهترین شرایط زندگی برای او متوجه است به تبع آن بر آموختن و به کار بستن آموخته‌ها در جهت معرفت و آگاهی و احساس حضور انسان نیز متمرکز است اما باید اذعان داشت که این امر در فضای شهری معاصر مغفول مانده و زمینه تفکر پدیدار نشده است.
تعارض در رابطه سینرژیک میان انسان و فضای شهری	همانطور که فرهنگ حاکم بر جامعه و ارزشهای منبعث از آن در شکل دادن محیط زندگی نقش دارند، محیط نیز بر انسان و رفتار او و همچنین بر تمایلات و انتخاب روش زندگی اش تأثیر دارد. اندکی مذاقه در ویژگی‌های انسان در جهانی توحیدی و فرهنگ متکی و مبتنی بر آن نشان خواهد داد که یکی از اصلی‌ترین عواملی که می‌تواند فضا و محیط زندگی انسان را به صورت محیطی مطلوب درآورد متذکر بودن فضا است که در حال حاضر با تعارض مواجه شده است. در حال حاضر فضای شهری انسان را به فردگرایی و منیت و تهییج کرده و سوق میدهد.
کمالگرایی و سعادت‌طلبی انسان	انسانها به انحاء مختلف کمالگرایی را از مجاری و مبادی مختلف و متنوع دریافت می‌کنند که این دریافتها را در گروه‌های مختلف میتوان بیان نمود. قابل ذکر است که میل به سعادت یکی از اصلی‌ترین تمایلات انسان است به این ترتیب ضرورت این امر متذکر و آگاه بودن است.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

با استناد به مصاحبه‌های انجام شده از نخبگان، نشان می‌دهد که اصلی‌ترین نیاز بشر در دنیا احساس حضور و دوری از غفلت است. نیازی که مهمترین ابزار آن تذکر است. در این راستا در مورد متذکر ساختن فضاهای شهری می‌توان اینگونه اذعان داشت که فرآیند متذکر ساختن در کلیت امر الگویی از پیش اندیشیده شده نیست و نگرش و رویکردی برای القای ذکر در فضاهای شهری صورت نپذیرفته است. در وهله دوم اصول، مؤلفه‌ها و ساختار انگیزشی در فرآیند بازشناسی مفهوم ذکر در فضای شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق تحلیل‌های صورت

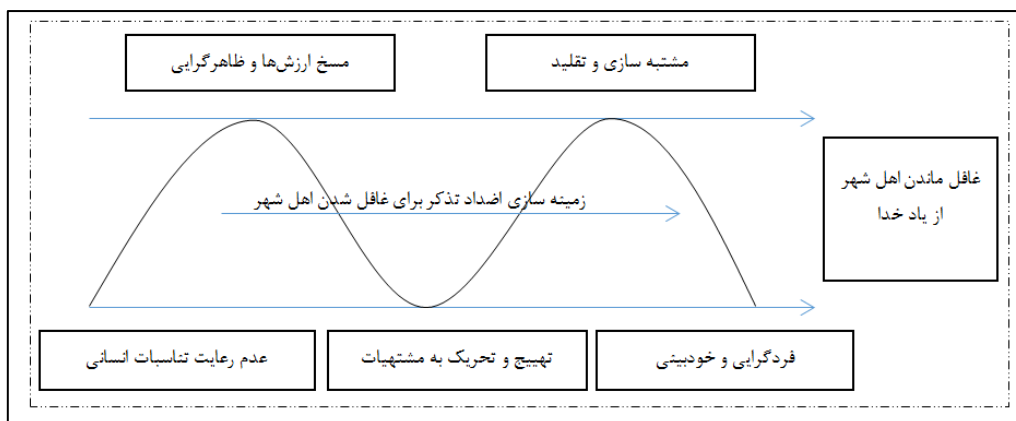
پذیرفته مشخص شده است که تعدد اصول و گستردگی روشها و مصادیق فراوانی بسته به شرایط فرهنگی و زمانی و مکانی و تکنیکی برای متذکر ساختن شهر ظاهر خواهند شد. لذا می‌توان تعداد معدودی از اصول و مؤلفه‌ها را به عنوان اصلی‌ترین موضوعات مورد تذکر یا اصلی‌ترین موضوعاتی که شهر و عناصر و اجزاء و فضاهایش باید به انسان متذکر شوند، در جدول زیر معرفی می‌گردند.

جدول ۴: اصول و مؤلفه‌های متذکر ساختن فضاهای شهری برای اهل شهر

اصول کلی	اصول فرعی	مقوم‌های تجلی دهنده ذکر
اصالت	توجه به گرایش‌های پدیده‌ها و اصالت به مردم	۱. کتیبه‌ها و نوشته‌های سردرب مساجد و خانه‌ها که نمودی برای یادآوری از آیات الهی باشند. ۲. حضور نمادها و نشانه‌ها و فضاهای آشنا ۳. تناسب و هویت
کرامت انسان	هوشیاری و آگاهی انسان	۱. هدایت و آموزش ۲. عدم تسلط مصنوعات و آثار انسان ساخت بر اهل شهر ۳. ایمنی و امنیت در جنبه‌های روانی و جنبه‌های فیزیکی
زیبایی	پیچون و نپارش	۱. سیطره روانی و کالبدی عناصر معنوی ۲. تمهیل درک درست از ویژگی‌های اصلی فضا خوانایی و جهت‌گیری آسان از فضا. ۳. استفاده از هنرهای قدسی، دینی و بومی
معنویت‌گرایی	تمرکز بر جنبه‌های معنوی	۱. مسجد به عنوان مرکز نقل کالبدی و کانون شهر ۲. یادآوری نیازهای معنوی ۳. غفلت‌زدایی و زدودن جنبه‌های مادی زندگی ۴. هنرهای اصیل ایرانی تذکر دهنده
هویت	عدم تبعیت از الگوهای غفلت‌زا	۱. عدم تشبه به الگوهای غیر عقلایی و بیگانه. ۲. استفاده از المان و نمادهای شاخص دارای ارزش اصیل و بومی ۳. حفظ آثار با سبقه تاریخی.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

اصول شهر متذکر شامل آن دسته اصولی است که در طراحی و ساخت کالبد شهر متذکر، و سپس در فرآیند نگهداری و مدیریت و کمال بخشی آن باید ملاک عمل قرار گیرند. تجمیع و تلفیق وجه مطلوب تمامی اصول‌ها می‌تواند به عنوان مجموعه اصولی معرفی شوند که به کار بستن آنها در طراحی و ساخت شهر به ظهور شهر متذکر منجر خواهد شد. در توجیه پرداختن به موضوع شناسایی و معرفی اضداد و تضعیف کنندگان ذکر در فضای شهری که به ضعف احساس حضور و خودآگاهی انسان منجر می‌شوند، قابل ذکر است که یک از اصلی‌ترین راه‌های شناخت موضوعات، شناخت اضداد آنهاست. لذا همانطور که متذکر ماندن جلوگاه فضایی برای حیات انسانی خواهد بود و محیط و فضای متذکر عالی‌ترین مکان برای زندگی است، اضداد تذکر نیز زمینه‌ساز غفلت بوده و به مثابه عامل تمرکز انسانها بر قلمروی محدود از زندگی ایفای نقش می‌کنند؛ بنابراین تمرکز بر غفلت، افول و افت ارزش کیفیت محیط زندگی و شهر از مطلوبیت خویش خواهد بود لذا همانطور که فضای تذکر دهنده و آگاهی دهنده عالی‌ترین فضا برای زندگی مطلوب انسانی است، محیط غفلت‌زا و فاقد ذکر نیز از مکان‌های کم ارزش برای زندگی بشمار می‌روند. در ادامه این محور و در شکل شماره ۴ به فرآیند تضعیف کنندگان ذکر و مؤلفه‌های اصلی آن پرداخته شده است.



شکل ۴: فرآیند تضعیف کنندگان ذکر بر فضای شهری و اهل شهر

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

بر اساس تدقیق و بررسی‌های تفصیلی در مورد مقوله‌های تضعیف کننده ذکر در فرآیند متذکر ساختن فضاهای شهری، این امر استدلال می‌شود که حرکت از بی توجهی به جامعیت حیات انسان و تمرکز بر قلمرو مادی زندگی به صبغهای از گمراهی است که به صورت اصل پنداشتن نیازها و مشتبهات مادی ظاهر می‌شود. لذا به دلیل نیروهای مختلف تضعیف کننده ذکر و عدم توسعه ظرفیت‌ها و مقوم‌ها برای متذکر ساختن شهر، فرآیند آگاهی دهنده‌گی، بیداری و هوشیاری انسان دائماً در شرایط نامتعادل قرار گرفته است و فقدان تعامل هدفمند برای متذکر ساختن فضا اصلی‌ترین ضربه را به اهل شهر وارد می‌کند. با انجام مرحله اول روش دلفی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، شاخص‌های مؤثر بر تجلی ذکر در فضای شهری از دید صاحب‌نظران استخراج گردید. این کدها، در تناظر با کدهای مکانی مستخرج از مرور ادبیات پیشین قرار گرفت و با غربال‌گری نهایتاً ۲۳ کد به عنوان کدهای مؤثر تعیین شدند این فرآیند در جدول شماره ۵ نمایش داده شده است.

جدول ۵: پالایش کدهای برآمده از مرور منابع و مصاحبه با متخصصان و استخراج کدهای نهایی

کدهای نهایی	کدهای برآمده از مصاحبه	کدهای برآمده از مرور منابع
- اصالت	- تغییر نگرش در فرآیند زندگی	- توجه به گرایش پدیده‌ها و اصالت به مردم
- معنویت‌گرایی و ایجاد تفکر	- آغشته نشدن به نسیان و غفلت	- حضور هنرهای بومی و مناسب در شهر
- احساس حضور در محضر الهی	- زمینه تفکر در متذکر ساختن انسان	- هوشیاری و آگاهی انسان
- ایمنی و امنیت	- معنویت‌گرایی و ایجاد تفکر	- هدایت‌گری
- پرهیز از بیهودگی	- توجه به حریم	- آرامش و رفاه
- عدم تبعیت از الگوهای غفلت‌زا	- هویت‌مندی	- عقل‌گرایی
- عقل‌گرایی	- عدم مشتبه‌سازی الگوهای غربی	- ایمنی و امنیت
- حسن تعلق	- احساس حضور در محضر الهی	- پیومن و نیارش
- عدالت در فضای شهری	- توجه به اصالت	- عدم تقلید از نموده‌های غیر بومی
- حضور طبیعت در شهر	- ایمنی و امنیت	- حضور طبیعت در شهر
- پیومن و نیارش	- عدم تعارض در رابطه سینرژیک میان انسان و فضای شهری	- پرهیز از بیهودگی
- هدایت‌گری	- کمال‌گرایی و سعادت‌طلبی انسان	- تمرکز بر جنبه‌های معنوی
- کمال‌گرایی و سعادت‌طلبی انسان	- حسن تعلق به مکان	- توجه به رجحان
- مقیاس انسانی	- عدالت در فضای شهری	- احساس حضور در محضر الهی
- نمادگرایی	- مقیاس انسانی	- عدم تبعیت از الگوهای غفلت‌زا
- حضور هنرهای بومی و مناسب در شهر	- حضور طبیعت در شهر	- نمادگرایی
- حفظ هویت		- هویت
- عدم مشتبه‌سازی و تقلید		
- توجه به رجحان		
- آرامش و رفاه		
- عدالت‌مندی		
- حفظ حریم		
- پیوستگی کالبدی و سلسله مراتب		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

در ادامه کدهای ۲۳ گانه، به صورت پرسشنامه بسته با پاسخهای پنج درجه‌ای طیف لیکرت، از حلقه ده نفره متخصصان و نخبگان پرسیده شد. داده‌های حاصل از این مراحل نیز به صورت نمره‌دهی به هر کد که در جدول شماره ۶ آورده شده است. در این جدول به منظور انجام محاسبات، نمره ۵ برای موافقت کامل و نمره ۱ برای مخالفت کامل از سوی هر متخصص (الف تا دال) در نظر گرفته شده است.

جدول ۶: نمرات نخبگان به هر شاخص در پرسشنامه مرحله دوم روش دلفی

ردیف	شاخص	متخصصین	الف	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د
1	اصالت	4	4	4	4	4	4	4	4	5	4
2	ایمنی و امنیت	4	4	3	4	4	4	4	4	5	4
3	احساس حضور در محضر الهی	4	4	4	4	4	4	5	4	4	5
4	پیمون و نیارش	3	4	4	3	4	4	5	4	5	5
5	پرهیز از بیهودگی	3	4	3	2	5	5	4	4	3	5
6	عدم تبعیت از الگوهای غفلت‌زا	3	4	4	2	5	5	4	4	2	5
7	عقلگرایی	3	4	3	3	4	4	2	4	4	4
8	حسن تعلق	2	4	3	3	4	4	4	2	2	4
9	پیوستگی کالبدی و سلسله مراتب	2	4	3	4	4	4	5	2	2	4
10	حضور طبیعت در شهر	2	4	3	4	4	4	4	2	4	4
11	معنویت‌گرایی و ایجاد تفکر	4	4	3	5	5	5	5	5	4	5
12	هدایت‌گری	3	4	4	4	4	4	2	4	5	5
13	کمال‌گرایی و سعادت‌طلبی انسان	4	4	4	5	5	5	5	4	5	5
14	حفظ هویت	3	1	3	5	5	5	4	4	5	4
15	نمادگرایی	4	4	3	4	5	5	5	5	5	4
16	حضور هنرهای بومی و مناسب در شهر	4	2	3	2	2	5	5	5	2	4
17	مقیاس انسانی	3	4	4	4	4	5	5	4	4	4
18	عدم مشتبه‌سازی و تقلید	3	4	3	4	5	5	5	4	5	5
19	توجه به رجحان	3	4	4	4	4	3	4	4	5	4
20	آرامش و رفاه	3	4	4	4	4	5	5	4	5	4
21	عدالت‌مندی	3	4	4	4	4	3	4	4	5	4
22	حفظ حریم	4	2	3	2	5	5	4	5	2	4
23	عدالت در فضای شهری	3	4	4	4	4	5	5	4	5	5

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها در مرحله دوم روش دلفی، به منظور یافتن میزان موافقت متخصصان با هر شاخص، ابتدا از ساده‌ترین روش یعنی حاصل جمع نمرات و میانگین آن‌ها استفاده شد. جدول ۷، حاصل جمع و معدل نمرات هر شاخص را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول نیز پیداست. شاخصهای دارای بیشترین نمره و میانگین هستند و از سوی متخصصان حائز اهمیت شناخته شده‌اند. در آخرین ردیف اهمیت نیز شاخص «پیوستگی کالبدی» قرار دارد. پس از آن یک بار دیگر، داده‌ها از طریق روش «آنتروپی شانون» مورد تحلیل قرار گرفتند. به کمک این فرمول که از دقت بالاتری نسبت به فراوانی داده‌ها، برخوردار است، می‌توان بار اطلاعاتی هر شاخص و سپس وزن آن را محاسبه نمود (Azar, 2006)؛ به منظور استفاده از این فرمول ابتدا داده‌های جدول فراوانی از طریق رابطه (۱) به هنجار می‌شود. در این فرمول P_{ij} نمره به هنجار شده و F_{ij} ، نمره هر یک از نخبگان به مقوله مورد نظر است. پس از آن، بار اطلاعاتی هر مقوله (E_j) را از طریق رابطه (۲) محاسبه می‌شود. در این رابطه m تعداد صاحب‌نظران و n نیز تعداد مقوله‌هاست. سپس وزن هر مقوله یا شاخص (W_{ij}) از طریق رابطه (۳) به دست می‌آید.

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n)$$

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln(P_{ij})] \quad j \in 1 \dots n \quad k = \frac{1}{\ln(m)}$$

$$W_{ij} = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

جدول ۷: یافته‌های حاصل از پرسشنامه مرحله دوم روش دلفی

شاخصها	جمع نمره	میانگین	بار اطلاعاتی شاخص	وزن شاخص (تکنیک شانون)
اصالت	42	4.2	1.428	0.04386
ایمنی و امنیت	40	4	1.426	0.04382
احساس حضور در محضر الهی	42	4.2	1.428	0.04386
پیمون و نیارش	41	4.1	1.421	0.04366
پرهیز از بیهودگی	38	3.8	1.409	0.04328
عدم تبعیت از الگوهای غفلتزا	38	3.8	1.409	0.04328
عقلگرایی	35	3.5	1.418	0.04356
حسن تعلق	32	3.2	1.406	0.04320
پیوستگی کالبدی و سلسله مراتب	34	3.4	1.401	0.04304
حضور طبیعت در شهر	35	3.5	1.412	0.04338
معنویت گرایی و ایجاد تفکر	46	4.6	1.427	0.04383
هدایتگری	40	4	1.414	0.04342
کمالگرایی و سعادتطلبی انسان	45	4.5	1.423	0.04372
حفظ هویت	39	3.9	1.393	0.04280
نمادگرایی	44	4.4	1.423	0.04372
حضور هنرهای بومی و مناسب در شهر	44	4.4	1.423	0.04372
مقیاس انسانی	41	4.1	1.425	0.04378
عدم مشتههسازی و تقلید	43	4.3	1.420	0.04361
توجه به رجحان	43	4.3	1.424	0.04373
آرامش و رفاه	39	3.9	1.425	0.04376
عدالتمندی	39	3.9	1.425	0.04376
حفظ حریم	34	3.4	1.386	0.04256
عدالت در فضای شهری	36	3.6	1.394	0.04282

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

یافته‌های حاصل از فراوانی، با یافته‌های حاصل از الگوریتم شانون، رتبه‌بندی و اهمیت شاخص‌ها را به گونه‌ای متفاوت نشان می‌دهد. از اینرو الگوریتم شانون برای وزندگی به شاخص‌ها دقت بیشتری دارد. وزن متغیرها بر اساس الگوریتم شانون مبنای نتیجه‌گیری در این پژوهش قرار گرفته است. براین اساس دو شاخص «معنویت‌گرایی و ایجاد تفکر» و «سعادت‌طلبی و کمال‌گرایی انسان» بیشترین میزان تأثیر بر تجلی ذکر در فضاهای شهری را دارا هستند. با توجه به آنچه که اذعان گردید به بررسی شاخص‌های متذکر ساختن فضای شهری و بیان علل بروز نابسامانی در نظام عملکردی و فضایی و کم‌رنگ شدن و کاهش نقش تذکردهی فضاهای شهری و از بین رفتن مفهوم ذکر در این فضاها مطرح گردید. در ادامه برآنیم تا با ارائه راهکارهایی جهت تقویت و سازماندهی نظام مدیریت شهری در جهت دستیابی و حصول به هدف این تحقیق و امکان فراهم نمودن مقدمات تحقق سیاست‌های اجرایی کالبدی و عملکردی در بخش پیشین، گامی مثبت در این جهت بپیماییم.

با توجه به تمایزات و تفاوت‌های هر جامعه‌ای، مصادیق تذکردهی و ایجاد فضاهای متذکر نیز برای جوامع با معیارهای متفاوتی همراه است هر کدام باید به دنبال شناخت مصادیق خاص خود باشند. نهایتاً به برخی مواردی که پرداختن به آنها منجر به تقویت و متجلی شدن ذکر در فضای شهری می‌شوند اشاره می‌شود.

- توجه به نیازهای انسان از جمله نیازهای زیبایی شناختی، امنیت و احساس آرامش و .. و اهتمام به برآورده ساختن هر کدام از این نیازها برای شهروندان.
- بهره‌گیری از هنرهای اصیل ایرانی در منظر عمومی با کاربست هر کدام از آنها در جداره و بدنه‌ها، سازه‌های شهری همانند پل‌ها، طراحی مبلمان شهری با جلوه‌های هنر ایرانی - اسلامی.
- استفاده از اصول و مبانی و الگوها و شیوه‌های باغ سازی و محوطه سازی ایرانی در طراحی و برنامه‌ریزی توسعه‌های شهری (به صورت عام) و همچنین در طراحی و احداث باغها، پارکها. بوستانها. فضاهای عمومی، میادین، فضاهای باز ساختمانها و فعالیتهای عمومی، حیاطها و قس- علیهذا. در این زمینه نیز توجه به اصول و روشهای اصیل، و نه الزاما تفسیر بیگانگان از باغ ایرانی، ضرورت دارد،
- زیباشناختی هر ساحت، نیازهای مربوط به دوام و کمال و تعالی هر ساحت، نیاز به تام امنیت هر قلمرو زندگی، نیاز ساحت‌های مختلف حیات به تغذیه مناسب برای فراهم آوردن زمینه دوام و رشد و کمال و تعالی آنها. و سایر نیازهای انسانی در همه ساحت‌های حیات.
- احتراز از به کار بردن اجزاء و عناصر و شیوه‌ها و الگوهایی که ضد ارزش‌هایی همچون عدم امنیت (به ویژه عدم امنیت روانی و معنوی و فرهنگی)، بی‌نظمی، منیت، خودستایی، عریانی، تفرق، ناهماهنگی، تضاد، قطب بندی، فردگرایی و امثال اینها را به جامعه القا می‌کنند.
- احتراز از ایجاد یا ظهور هر گونه زشتی و ناهماهنگی و خروج از تناسب و بی‌عدالتی و جهل، یا احتراز از ایجاد فضاها و عناصری که زشتی و جهل را سبب شوند یا این اشکالات را تقویت کنند،
- یادآوری و تذکر نیازهای روحانی و معنوی انسان با اتخاذ تمهیداتی در بناها و فرم‌ها. برای مثال در بافت قدیمی شهرهای اسلامی هنوز سقاخانه‌هایی که بر فراز آنها ذکرهای یاحسین و شهیدان نوشته شده است، وجود دارند. در شهر مذکر حتی نوشیدن آب یادآور واقعه ای است، و فضاهایی برای نوشیدن آب در شهر در نظر گرفته شده است. شهر بستری است که به یاد عابران پیاده تشنه(آن هم با یاد تشنه لبان واقعه کربلا) در گذرهایش فضایی برای نوشیدن آب فراهم کرده است. حتی نوشیدن آب در شهر اسلامی حق و ظلم را تفکیک می‌کند و با ذکر یاحسین، گویی آبی گوارا و حق به شهروند می‌نوشاند.
- متقدم داشتن باطن بر ظاهر با تکیه بر میانی نظری معنوی در طراحی و ساخت تا تعادل حیات ایجاد شود و از یک‌نواختی و الگو برداری کورکورانه از روش زیست بیگانه جلوگیری شود.
- تمرکز بر هدایت و راهبری و عدم تهییج و تحریک، نیازهای فیزیولوژیک،
- توجه به سیطره روانی و کالبدی عناصر معنوی و روحانی و عمومی بر کالبد و فضای شهر و برنامه‌ریزی برای پاک نگهداشتن ساختمانها و سطوح فضاهای شهری،
- پیش بینی فضاهای شهری اصیل ایرانی در مراکز شهری و محله‌ای، و بهره‌گیری آن فضاها در سامان دادن و طراحی و برنامه‌ریزی مراکز محلات.
- برنامه‌ریزی برای پدید آمدن حجم و کالبد و فضایی برای کلیت شهر به گونه‌ای که همه اینها نمایشگر اصول و ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه باشند؛ در کنار توجه به عدم پدید آمدن و تظاهر ضد ارزش‌ها و زشتی‌ها در سیما و کالبد و کلیت شهر.
- یادآوری و تذکر نیازهای روحانی و معنوی انسان (و به بیان دیگر، یادآوری انسانیت او)،
- استفاده از شیوه‌ها و مصالح رایج و استفاده شده در معماری اصیل ایرانی در کنار روزآمد کردن آنها.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مجموعه‌ی محیط و فضای زندگی انسان و به ویژه شهر، به دلیل آن که مجموعه‌ی بسیاری از عناصر و اجزاء و اصول و مفاهیم و رفتارها و فضاها و معانی است، در پژوهش حاضر در پی شناسایی شاخصهای مؤثر بر تجلی ذکر در فضای شهری ایرانی-اسلامی بودیم. یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که می‌تواند عامل بیداری و آگاهی و هشیاری انسان و تعالی و کمال، و یا بالعکس، زمینه ساز غفلت و خواب کردن اهل خویش و غوطه‌ور کردن مردم در قلمرو زندگی فیزیولوژیکی و دنیایی باشد. که در این اثنا رابطه‌ی ادراکی بین انسان و محیط برقرار می‌شود، "محیط" معانی و مفاهیمی را به ذهن انسان القا نموده و در نتیجه ارزش‌هایی را نیز به او متذکر و یادآور می‌شود. در پژوهش مشخصاً به یکی از اصلی‌ترین نتایج مورد انتظار از عناصر شهرسازی ایرانی اسلامی به عنوان ذکر پرداخته شده است تا ضمن بررسی ژرف و عمیق موضوع و همچنین با در نظر گرفتن شرایط امروز شهرها و شهروندان، به حاصلی عمیق‌تر از آنچه تا کنون به آن پرداخته شده است، دست یابد. به این منظور حلقه ده نفره‌ای از نخبگان انتخاب شده و مرحله اول دلفی در قالب مصاحبه با این گروه، انجام پذیرفت. از متن مصاحبه‌ها به کمک تحلیل محتوا، کدهای مؤثر بر متذکر ساختن فضاهای شهری استخراج شد. این کدها در مقایسه و تطبیق با کدهای برآمده از مرور منابع قرار گرفته و از مجموع این دو دسته، ۲۳ کد استخراج شد.

در فرایند تجلی کالبدی بخشیدن به اصول و مفاهیم و مبانی و ارزش‌های معنوی و متجسد ساختن آن‌ها، مراحل و سلسله مرتبی قابل شناسایی است که در بحث حاضر نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته و با تبیین جایگاه ذکر در طراحی شهر اسلامی و تمامی فضاهای شهری می‌بایستی اصولی را به کار بست تا القاء کننده هویت انسان و متذکر نگاه داشتن او به جایگاه و مقامش در هستی باشد. توجه دادن انسان به جامعیت حیات و لزوم پاسخگویی به همه نیازهای ساحت‌های مختلف حیاتش (اعم از "روحی یا معنوی"، "روانی یا نفسانی" و "فیزیولوژیکی") از ویژگی‌های بارز فضای متذکر است. شهر مهمترین عرصه زیست انسان است و مطالعه تأثیر و تأثر این عرصه بر جایگاه انسان نقش ویژه‌ای دارد. از اصلی‌ترین مسائل در محیط انسانی رشد و تعالی شهروندان آن است تا با بینشی صحیح محیطی مهیا شود که در آن انسان به سعادت و خشنودی دست یابد، اما با مغفول ماندن از سنت‌ها و الگوهای اصیل ایرانی - اسلامی و تقلید و تکرار ناقص الگوهای بیگانه و جهان‌بینی حاکم بر آنها، غنای فرهنگی و زیستی ما مورد بی‌توجهی واقع شده است. براین اساس فضاهای شهری امروز ما نیازمند تحول و رویکردی اساسی و منطبق با شرایط امروزی است که سعادت و خشنودی هل شهر را ارتقاء بخشد.

در کنار عواملی که در شهرها می‌توانند به عنوان عوامل تذکردهنده و یادآوری ایفای نقش کنند، معنویت‌گرایی و شاخص کمال‌گرایی نیز در جایگاه شهر و متذکر ماندن فضای شهری دارای نقش می‌باشند؛ لذا همانطور که متذکر ماندن جلوه‌گاه فضایی برای انسان خواهد بود و عالی‌ترین مکان را برای زندگی فراهم می‌کند، اضداد تذکر زمینه‌ساز غفلت می‌شود به بیانی دیگر فضای فاقد ذکر افول و افت ارزش کیفیت محیط زندگی را به ارمغان می‌آورد. غفلت یکی از اصلی‌ترین اضداد، و به عبارتی سرسلسله مخالفین «یادآوری»، «تذکر» و «احساس حضور» انسان است. هرآنچه که انسان را از احساس و پی‌جویی و متذکر بودن به حقیقت، خوبی، زیبایی و از آرمان غایی حیاتش دور

۱۵۰ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیایا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم، شماره سوم، تابستان ۱۴۰۰

کند و در محدوده ای خاص از زندگی مادی، محصور و منحصر نماید، نمایشی از غفلت است. با تبیین جایگاه انسان و هدف از خلقت آدمی که عبودیت و بندگی خداوند است می‌بایستی در طراحی شهر اسلامی و تمامی فضاهای شهری اصولی را به کار بست تا القاء کننده هویت انسان و متذکر نگاه داشتن او به جایگاه و مقامش در هستی باشد. لذا شهری که همه عناصر آن به اندازه خود خاصیت تذکردهی و آموزش و هدایت را دارند و ساکنان خود را از غفلت و جهل برهاند، انسانیت اهل شهر را به آنها یادآوری می‌نماید. این نکته بسیار اساسی را نباید مغفول نهاد که کیفیت، معنا و جو حاکم بر فضای شهری تذکرات، آگاهی‌ها و هدایت‌ها و یا بالعکس کجروی‌ها و اغفال را به انسان القاء می‌کند.

منابع

قرآن کریم

- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، ویژگی‌های تاریخی شهر نشینی در ایران دوره ی اسلامی"، نامه علوم اجتماعی، ۴ دوره ی اول. اعتضادی، لادن (۱۳۷۷)، نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان نشین»، صغه، شماره ۲۶.
- اعتضادی، لادن (۱۳۷۴)، مقاله «نیشابور (ابر شهر)»، صغه، شماره ۱۹ و ۲۰.
- اعوانی، غلام رضا (۱۳۷۶)، سخنرانی «شیخ اشراق» و «حکمت خسروانی»، دانشکده معماری و شهر سازی شهید بهشتی. بemat، نجم الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه حلیمی و اسلامبولچی، انتشارات و وزارت ارشاد.
- بورکھات، تیتوس (ابراهیم عزالدین) (۱۳۷۰)، رمزپردازی، ترجمه جلال ستاری، سروش.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۱)، الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی - اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، ۲۰ تا ۲۶.
- تقوی نژاد دیلمی، محمد رضا (۱۳۶۳)، معماری، شهرسازی و شهر نشینی ایران در گذر زمان، یساوولی (فرهنگسرا).
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، حوزه هنری، تهران.
- حایری، محمدرضا (۱۳۷۵)، برای اسلامی کردن سیمای شهر چه می توان کرد؟، مجله آبادی، شماره ۲۲، ۴۰ تا ۴۵.
- سیفیان، محمدکاظم (۱۳۷۷)، قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳، ۷۳ تا ۷۷.
- کیانی، محمد رضا (۱۳۸۵)، شهر سازی ایران، جلد ۱ و ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۳۶)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، علمی و فرهنگی.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش شهری و برنامه ریزی شهری.
- موسوی، سید علی اکبر (۱۳۹۲)، به سوی خلق یک فضای شهری پایدار، علم نو.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی، انتشارات مانی.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۲)، فضاهای شهری و عمومی در ایران، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۶، ۴ تا ۱۱.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۸)، مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی (مبانی نظری، نظام فکری، تجلیات و عینیات)، نشر شهر، تهران.
- نقی زاده، محمد (۱۳۹۱)، شهر بیداری (اصول، شیوه‌ها، جلوه‌ها)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- نقی زاده، محمد، (زمستان ۱۳۹۲)، فضاهای شهری و عمومی در ایران، نشریه کتاب ماه هنر، ۱۸۶، ۴ تا ۱۱.
- Azar, A. (2001). Developing of Shannon Entropy Method in Content Analysis. Al-Zahra University Journal of Humanities, 11(37, 38). 1-18.
- Benevolo, L. (1980). The history of the city. London.
- Burckhardt, T. (1980). Art of Islam; language and Meaning (London; world of islam festival publishing,

- Hsu, Chia-Chien & Brian A. S. (2007). The Delphi Technique: Making Sense of Consensus. Practical Assessment, Research & Evaluation Journal, 21, 1.
- Kahera, A. (1999). Image, text & form: Complexities of aesthetics in an American masjid. Studies in Contemporary Islam, 1(2), 73-84.
- Rabbat, Nasser. "The Islamic City: Historicity and Abstraction." Syllabus, Massachusetts Institute of Technology, Cambridge, MA,
- Rogers, W. (2003). The Excellent City Park System. What Makes It Great And How To Get There, In P Harnik(Ed). Washington: The Trust for Public Land, Pub.
- Saoud. R, (2002). Introduction to the Islamic City Foundation for Science Technology and Civilisation, Manchester.
- Struss, anselm C, Corbin, Juliet (1998) basics of Qualitative reaserch Techniques and procedures for Developing grounded theory, sage press
- Tavassoli, M. (2016). Urban Structure in Islamic Territories, Springer, International Publishing Switzerland.
- Wirth,E. (1992). The concept of the Islamic city privacy in the Islamic east versus public life in western culture, Applied Geography and Development 40, 22-38.

